

نقد و بررسی کتاب

حامد عمومی*

هنری تودر، **اسطوره‌ی سیاسی**، ترجمه سید محمد دامادی (تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر،

۱۳۸۳)

Henry Tudor, Political Myth (London: Pall Mall Press, 1972)

کتاب حاضر که بر پایه‌ی نظام چندین دانشی تألیف گردیده، در بردارنده‌ی مطالب ارزنده و معانی بسیار آموزنده در قلمرو دانش و فرهنگ سیاسی و مفتاح ادراک مفاهیم اساسی است. این کتاب، در سلسله‌ای از کتابها به عنوان «مفاهیم اساسی در علوم سیاسی» به سردبیری لئونارد شاپیرو تدوین گردیده است. آثاری چون دیوانسالاری، نمایندگی، حکومت نظامی، انقلاب، منافع ملی، سنت و اقتدار، ایدئولوژی و... در این مجموعه قرار دارد. اما درباره‌ی نویسنده، هنری تودر، استاد علوم سیاسی در دانشگاه دورهام انگلستان و راهنمای ثابتِ جامعه اسکاتریت، با احراز درجه‌ی ممتاز در ادبیات و تاریخ از دانشگاه هاروارد فارغ التحصیل گردیده، در دانشگاه براندیز به پژوهش پرداخته و پژوهشیار مدرسه‌ی اقتصاد لندن و استاد نیمه وقت در مدرسه اسلامی و مرکز مطالعات شرقی دانشگاه لندن بوده است. لئونارد شاپیرو، سرویراستار سلسله‌ی این آثار در مورد اینکه چرا این عنوان نیز در سلسله مباحث مفاهیم سیاسی گنجانده شده است می گوید: «با آنکه تعبیر «اسطوره‌ی سیاسی» زباززد اغلب دانشمندان علوم سیاسی است اما به ندرت آن را در معنای

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

دقیق کلمه و با اصطلاح موضوع له یا ما وُضِعَ له به کار می برند. هدف از تألیف این کتاب، ارائه تعریف و کشف قلمرو شمول نتایج حاصل از آن است. به اجمال استدلال شده است که «اسطوره سیاسی» پنداری واهی نیست، بلکه پیش از همه، داستان و یا روایت ظریفی از حوادث در قالب بیان نمایشی است و اعتقاد مسلم بر این که داستانی واقعی در قالب تعبیر ساده‌ی مفهوم آنست که به منظور القاء خط مشی مطمئن رفتار و یا تشویق به پذیرش وضع موجود به کار رفته است. بنیاد جمهوری امریکایی، سفر طولانی اروپاییان با کالسکه به افریقا و ظهور انقلاب پرولتاریا، همه موضوعات اساسی و نیرومند اسطوره های سیاسی محسوب می شوند و مطالب کتاب حاضر با این قبیل از اصول عقاید، شیرازه‌ی تألیف پذیرفته است.» (۱) در این کتاب پس از بحث مقدماتی درباره‌ی «اسطوره سیاسی»، کوشش هایی در زمینه راست آزمایی، مفهوم و عملکرد اسطوره ها و برای شرح و تفسیر اصل آنها صورت پذیرفته است. روش به کار گرفته شده نیز، روش «تاریخی» است که همراه با تمثیل مثلاً تاریخی رب النوع ها و آراء مربوط به آنها که به همر منسوب و در تمدن کلاسیک قدیم شایع و جاری و متداول است آغاز شده و با تئوری روانشناسی معاصر و ساختار گرایی در عصر حاضر پایان می پذیرد. در جریان این بررسی، از آنچه برخی از مکاتب اساسی جدید علوم اجتماعی در بررسی اساطیر به روشنگری پرداخته اند نیز ارزیابی انجام پذیرفته است. آنگاه تفسیر و پژوهش درباره‌ی نمونه های گوناگون دو نوع از عام ترین انواع اسطوره های سیاسی: اساطیر شالوده یا بنیادی و اساطیر انقلابی آورده شده است. مقصود از بیان این مطلب نیز این بوده است تا روشن گردد که اساطیر سیاسی در رویارویی با دشواری هایی که در سرشت کار سیاسی وجود دارد، به ایفای چه نقشی می پردازند؟ و چگونه به منظور تطبیق با مقتضیات، همزمان با تغییر اوضاع و احوال، تغییر شکل می دهند و مقاومت و ستیز در پیش می گیرند. افزون بر آن به بیان وجوه تمایز میان مرزهای اسطوره‌ی سیاسی و تاریخ سیاسی که اغلب به هم آمیخته است و ایفای نقشی که در فرهنگ سیاسی بر عهده دارد نیز پرداخته شده است. بر این اساس فصول کتاب اسطوره‌ی سیاسی توسط هنری تودر چنین تنظیم گردیده است:

- پیشگفتار؛ فصل اول: مطالعه و بررسی اساطیر سیاسی که در آن مواردی چون نظریه های تمثیل پردازانه و تاریخی اوهمریستی اسطوره؛ نظریه‌ی آرمانی درباره‌ی اسطوره؛ دیدگاههای زبان شناختی، تعلیلی و عبادی اسطوره؛ اسطوره به عنوان جهان بینی بدوی (ابتدایی)؛ پژوهش در خواستگاهها و مبادی قرار دارد.

- فصل دوم: نظریه های روان شناختی اسطوره با این سرفصل ها: نظریه های روان شناختی اسطوره، نظریه های جامعه شناختی اسطوره، نظریه‌ی ساختار شناختی اسطوره، اسطوره به عنوان مظهر بیان حقایق

جاویدان؛

- فصل سوم: تکوین شالوده‌ی اسطوره‌ی رومی که این موارد در آن آمده است: امپراتوری و بنیاد، معضل طبقه‌ی حاکم بر روم، تعبیر و تفسیر سیسرو از اسطوره‌ی بنیانگذاری شهر روم، استقرار آگوستوس سزار (قیصر)؛

- فصل چهارم: مبدأ و معاد؛ با چنین سرفصلهایی: اسطوره‌ی مسیحی هزاره شهریار مسیح، اساطیر ملی انقلابی، اسطوره‌ی نژاد آریان، آرزوی تحقق جهانی با انسجام اخلاقی، اسطوره‌ی انقلاب کارگری و در نهایت

- فصل پنجم: ایدئولوژی و اساطیر سیاسی که فصل نتیجه‌گیری به شمار می‌آید و این عنوانها را در بر می‌گیرد: اساطیر سیاسی و تلاش عملی، وهم و فریبکاری در اساطیر سیاسی، اسطوره‌ی سیاسی. در پایان نیز یادداشتهای، فهرست منابع و فهرست اعلام و اشخاص و اماکن و کتب آمده است.

نخست سخن را می‌بایست از فصل اول آغاز نمود که به مطالعه و بررسی اساطیر سیاسی اختصاص یافته است. به گفته‌ی تودر، «اساطیر سیاسی» در حالت طبیعی، منظر و سیمایی از جوامع پیشرفته است و بررسی و مطالعه‌ی این قبیل اسطوره‌ها به تاریخ نگاران واگذار گردیده است که البته نتوانسته‌اند نظریه‌ی جامعی ارائه دهند که در مطالعات سیاسی به کار آید. وی بر این باور است که اسطوره، ترجمانی است که اسطوره ساز (به درستی یا نادرستی) از حقیقت تلخ اراده می‌کند و این تدبیری است که آدمیان به منظور دستیابی بر واقعیت اتخاذ می‌کنند... انواع فرض و حکمهایی که شالوده‌ی اساطیر سیاسی به شمار می‌آید، همان موازینی است که در دیگر انواع اساطیر متمایز می‌سازد، درونمایه‌ی آن است. همان گونه که اساطیر طبیعت با پدیده‌های طبیعی و اساطیر مذهبی با خدایان و پرستش آنها سرو کار دارد، به همان کیفیت اساطیر سیاسی نیز با سیاست آمیختگی دارد. (۲)

اولین نظریه مورد توجه هنری تودر «نظریه‌های تمثیل پردازانه و تاریخی اوهمریستی اسطوره» است. اهمروس نویسنده‌ی باستانی یونانی است که در حدود سده‌ی چهارم پیش از میلاد می‌زیست و عقیده او این بود که اسطوره‌ها عبارتند از شرح احوال اشخاص حقیقی و رویدادهای واقعی که دستخوش اغراق گویی شده‌اند. این دو دیدگاه سرچشمه گرفته از آرای اندیشمندان یونان باستان است. این نظریه برای مسیحیان نیز به منظور تفسیر کتاب مقدس کاربرد یافت و توسط بیکن در دوره‌ی شکوفایی اروپا تجدید حیات یافت. اساس سخن باورمندان به این نظریه آن است که «اساطیر، چنان پوچ و بی‌معنی هستند که

معنای راستین آنها باید چیزی جز آنچه در سطح ظاهر آنها مشهود است باشد، به یقین اساطیر باید دارای معنی مستعار باشند و این وظیفه بر عهده‌ی مفسران است که آن را استنباط کنند.» (۳) پس این نظریه بیشتر تاریخی است زیرا برای تفسیر به بررسی تاریخی اساطیر می‌پردازد. «نظریه آرمانی درباره‌ی اسطوره» به فراتر رفتن از مرزهایی که دیدگاه معتقدان به مبانی تاریخی اساطیر فراهم ساخته اند، نیاز نمی‌بیند. در اوایل سده‌ی نوزدهم، دستاورد آرمان‌گرایان آلمانی، چشم انداز تازه‌ای در زمینه‌ی مطالعه‌ی اسطوره عرضه داشت. نظر آنها به اختصار این بود که اعمال آدمیان، به شدت از نحوه‌ی اندیشه‌ی آنها متأثر است و خاطر نشان می‌کردند که آگاهی، حیات را قطعیت می‌بخشد. به اعتقاد باکوفن مهمترین نظریه پرداز این نظریه، «همه اسطوره‌های مربوط به موضوعات سیاسی، متضمن تجسمی از خاطره‌ای از رویدادهای واقعی است. اسطوره‌ها نه تنها بیانگر افسانه‌ها نیستند، بلکه به اظهار واقعیات تاریخی دست می‌یازند.» (۴) اما این واقعیت تاریخی به صورتی آرمانی بیان می‌شود تا برای بیننده و شنونده جذابیت بیشتری داشته باشد و بتوان پیام خود را آسان‌تر بیان کند.

«دیدگاه‌های زبان‌شناختی، تعلیلی (Aetiological) و عبادی (rituao) اسطوره» ریشه در زبان‌شناسی سده‌ی نوزدهم به ویژه کارهای ماکس مولر دارد. وی اعتقاد داشت که قبایل آریان که سپس به شاخه‌های مختلف و با زبانهای گوناگون اما هم ریشه تقسیم شدند برای بیان پدیده‌های روزانه چون حرکت خورشید ناچار بودند که به آن تجسد مادی ببخشند و به خاطر امکانات محدود زبانی برای آن جنسیت در نظر گیرند. پس در زبان آنان نخستین اشیاء مادی با نشانه‌ها و علایم نسبی‌اش نامیده شد. پس این نوع نامگذاری که بری خدایانی چون خورشید و... به کار گرفته شد منجر به پیدایی داستانهای اسطوره‌های گردید که وقایع روزمره را به گونه‌ای اسطوره‌ای بیان می‌نمودند و همین عمل برای ستایش خدایان نیز به کار گرفته شد. بدین سان و بنا به گفته جین هریس «اسطوره، تأیید همبستگی گفتاری عبادات عملی است. اسطوره گفته و بیانی است از راهی که پیموده شده و کاری که انجام پذیرفته است. وی اظهار می‌دارد که عبادت، عبارت از کاری است که به طور فردی یا جمعی و گروهی تحت تأثیر هیجان نیرومند عاطفی انجام می‌پذیرد.» (۵) پس نمایشی اسطوره‌ای انجام می‌شود.

«اسطوره به عنوان جهان بینی بدوی یا ابتدایی»، ارنست کاسیرر صاحب نظری است که بیش از دیگران در عصر حاضر به کاربرد اساطیر در سیاست توجه داشته است و کتاب «اسطوره‌ی دولت» او از اعتبار زیادی برخوردار است. به اعتقاد کاسیرر «اسطوره بر جهانی خود کفا و مربوط به اشکال نمادین مبتنی

است و به تعبیر او این دیدگاه جهان بینانه که او نه تنها بیان آن را در روایات مقدس، بلکه در عادات قبایل سنتی، سحر و جادو، طالع بینی و شعایر نیز می یابد شامل و فراگیر دستیابی تام به تجربه ای است که به اعتقاد وی تنها ویژگی فرهنگهای بسیار بدوی و یا باستانی است و از این رهگذر او تجزیه و تحلیل خود در زمینه «هشیاری اسطوره ای» را در سایه تضاد آن با هشیاری علمی و تجربی و شهودی انسان عصر جدید، گسترش می بخشد.» (۵)

به طور کلی همه نظریاتی که تا اینجا در کتاب «اسطوره‌ی سیاسی» هنری تودر آمده است، «پژوهش در خاستگاهها و مبادی» اساطیر است و بیشتر نشان می دهد سرچشمه اسطوره ها از کجاست، آنها از کجا آمده اند و مواردی از این دست را مورد بررسی قرار می دهند.

در فصل دوم، چنانکه پیشتر نیز اشاره شد، نظریه های روانشناختی، جامعه شناختی و ساختار شناختی اسطوره گنجانده شده است.

نکته اصلی «نظریه های روانشناختی اسطوره» این است که هر اسطوره در بدایت امر، پدیده ای وابسته به روانشناسی است. در این مورد، فروید و یونگ ید طولایی دارند. فروید توجه زیادی به رویا دارد و آن را سرچشمه گرفته از آرزوهای سرکوب شده‌ی تجارب جنسی نخستین دوران کودکی می داند. فروید معتقد بود که بسیاری از علایمی که در خواب به ظهور می پیوندد، در اسطوره ها نیز وجود دارند. همچنان که برخی از موضوعهای بینادی اساسی که با امیال جنسی کودکانه ارتباط می یابند، در اسطوره ها نیز ملاحظه می شوند که داستان اوندیپوس از مشهورترین این موارد است. اما فروید خودش نظریه‌ی رؤیاهایش را به بررسی و مطالعه درباره‌ی اسطوره گسترش نداد و اتو رنک و کارل آبراهام بودند که این نظریه را به صورت نظریه ای عمومی بسط و گسترش دادند.

«نظریه های جامعه شناختی اسطوره»: فروید و یونگ برخلاف اظهارات جدی خویش، مایل بودند که همه‌ی اساطیر را دستاوردهای وجدان ناخودآگاه بدانند، اما بسیاری از جامعه شناسان با این امر مخالفت می ورزند. آنها بر این باورند که اساطیر «محصول اندیشه های آن گروه اجتماعی است که اسطوره ساز بدان تعلق دارد. یعنی... اسطوره، تجربه‌ی فردی آدمی نبوده، بلکه تجربه‌ی اجتماعی آدمی را منظور نظر و آماجگاه خویش قرار می دهد. به قول لوی بروهل و دورکهایم، اساطیر تجلی گاه احوال همگانی اند. به نظر می رسد که احوال همگانی در بردارنده‌ی نظریه‌ها، اندیشه‌ها و مفاهیمی است که همه‌ی اعضای یک گروه اجتماعی معین، در آن مشارکت دارند.» (۶) لوی اشتراوس از آخرین کسانی است که در این زمینه

قلم زده است و مفهوم «پردازش» را بیان می‌دارد.

«نظریه‌ی ساختار شناختی اسطوره» که به میزان زیادی با زمینه‌ی کار لوی اشتراوس مربوط می‌گردد و بسیاری آن را به عنوان بسط مارکسیسم محسوب می‌دارند و اعتقاد بر این است که وی آن را از فردیناند دوسوسور زبان شناس وام گرفته است. «اشتراوس مدعی است که در مطالعه اساطیر خود را گرفتار با همان وضع نامطلوب می‌یابد که زیان‌شناسان سنتی پیشین با آنها رو به رو بودند. زیرا در قلمرو اسطوره شناسی دانشگاهی هنوز این فرضیه از تأیید و اتقان برخوردار است که هر گاه علایم و مایه‌ها و موضوعاتی مشابه وجود داشته باشد، خواه ناخواه معانی آنها نیز همانند است... اگر در اسطوره شناسی معنایی که بتوان آن را یافت وجود داشته باشد، آن معنی نمی‌تواند در درون اجزا جدا از یکدیگر جای گرفته باشد، بلکه همچون زیان‌شناسی آن معنی را باید در روش ترکیب آن اجزا جستجو کرد و یافت. اشتراوس می‌گوید برای شکستن اجزای یک اسطوره، ما باید به شکستن و تبدیل داستان به کوتاهترین جمله‌های ممکن پردازیم.» (۷) پس باید به شناخت ساختار اسطوره در این نظریه دست زد. بدین ترتیب می‌توان گفت نظریه‌های مطرح شده در این فصل همه به دنبال «بیان حقایق جاویدان» هستند که از نظر آنها در اسطوره‌ها مستور گردیده است.

فصل سوم با عنوان «تکوین شالوده‌ی اسطوره‌ی رومی» نخستین مثال تاریخی است که تودر در کتاب خود می‌آورد. از دید وی، بسیاری از اسطوره‌های سیاسی که می‌توان آنها را «اساطیر پایه» نامید، آنهایی هستند که داستان چگونگی پیدایش یک جامعه‌ی سیاسی را بیان می‌کنند. به عقیده‌ی او «اسطوره‌ی پایه گذاری شهر رم» نابترین اسطوره‌ی سیاسی در جهان است. این اسطوره در زمانی که هنوز روم بر یونان مسلط نبود، بیان می‌داشت که آئنیاس جد رومولوس که رُم را بنیانگذاری کرد بازمانده جنگ تروا بوده است که به ایتالیا مهاجرت کرده است. اما سپس، زمانی که رومیان با قبایل نزدیک در هم آمیختند برای اینکه خواستگاه‌های مشابه داشته باشند و مردمان جدید نیز شهروند روم شوند، این اسطوره تغییر یافت و در طی دو قرن اول جمهوری روایت قدیمی تر بومی مُشعر بر اینکه رُم به وسیله‌ی مهاجران از آلبانگا بنیانگذاری شده است، جانشین حدیث خاستگاه تروایی رم شده و رومولوس به جای آئنیاس به عنوان پدر کشور و بنیانگذار شهر مقبولیت عام یافت. اما زمانی که رومیان بر یونان مسلط شدند و آنگاه با گذشت سالها فرهنگ یونانیان در میان آنان نفوذ بسیار یافت این اسطوره سیاسی چنان تغییر یافت که رومیان بیان داشتند درست است که نژادشان به تروا می‌رسد اما خود تروایی‌ها دارای نژاد یونانی بودند. پس این اسطوره در هر دوره برای اینکه بتواند با شرایط سیاسی نوین خود را تطبیق دهد، روایتی تازه تر یافته است. آنگاه که رُم قدرت

بسیار یافت و بر سرزمینهای گسترده ای فرمانروایی کرد، اسطوره به گونه ای هویدا گشت که وبرژیل شاعر بزرگ رومی بیان نمود، «رومیان، سروران دنیا هستند. به آنها یک امپراتوری بی پایان ارزانی گشته است و اوید بر این مدعا بود که ژوپیتز سراسر جهان را از مسند خود در کیتول ورنانداز کرد و نتوانست سرزمینی بیابد که در رتبه‌ی اطاعت از رُم نباشد.» (۸) در رم هر شهروند هویت خود را با شهر تعریف می کرد و سرنوشت او به شهر گره خورده بود و این بارزترین نتیجه هویتی اسطوره سیاسی پایه گذاری شهر رم بود که با توجه به شرایط زمانی، قدرت گیری، شکست یا پیروزی رم در جنگها، مرادداتش با دیگر سرزمینها و... تغییر ماهیت می داد. بدین سان مرزهای امپراتوری رومی همچون طبیعت زوال ناپذیر و گسترده تلقی می شد و نیز جاودانی.

در فصل چهارم هنری تودر به «مبدأ و معاد» می پردازد. وی در این فصل بیان می دارد که اسطوره‌ی سیاسی، یک جهان بینی نیست که علی رغم همه تجلیات و کلیه‌ی تظاهرات ویژه‌ی خود، دستخوش تغییر نگردد. بلکه به قول وینگشتاین «خانواده ای از آرا و نظریات» است. اسطوره‌های بنیادی (مبدأ) به خاطر آنکه بر اساس کاری خلاق که در گذشته انجام پذیرفته می تواند شارح و توجیه گر باشد و تحت عنوان طبقه ای مشخص به تعریف در می آید، از اساطیر نوع دوم که اساطیر معادی هستند، متداول تر است. اساطیر بنیادی یا مبدأ، حالتی محافظه کارانه دارند، اما اساطیر «اخروی» یا «معادی» اسطوره‌هایی هستند که با «امور نهایی» و رویدادهایی که جهان، آن چنانچه ما می شناسیم، با آنها به پایان می رسد، مربوط می‌باشند. پایان جهان - آخرت - در نوع خود، رویدادی انهدامی، ناگهانی و فوق العاده موحد است. آتش سوزی جهانی عظیمی که همه چیز در آن، از هرج و مرجی ازلی به آشوبی ابدی کاهش می یابد! بدین ترتیب با اساطیر معادی یا اخروی تاریخ از یک دور که توسط اساطیر مبدأ به وجود می آید به صورت سیر خطی در می آید که آغاز و پایانی دارد. اولین اسطوره معاد که تودر به آن اشاره کرده است، «اسطوره مسیحی هزاره شهریاری مسیح» نام دارد. این اسطوره جهان را به صورتی در آورد که خدا به جای طبیعت «مرجع ثابت» برای هدایت زندگی انسان شد. اینک دیگر انسان با شهری که در آن زندگی می کرد هویت نمی یافت، بلکه هویت وی ناشی از ارتباط معنوی او با خدا بود. به این ترتیب مسیحیان بر این باور شدند که سرنوشت آدمی در جهانی باید تعیین گردد که از عالمی که در آن به سر می برد، فاصله‌ی بسیار دارد و تنها در سایه‌ی لطف خداست که انسان می تواند رستگار شود. در این اسطوره‌ی سیاسی آمده است که در پایان کار جهان مسیح دوباره به صورت مجسد به زمین آمده و شهریاری پرعدل و داد خود را بنا

می نهد، شهریاری ای که در آن زمین موطن نیکوکاران می گردد. البته اگوستین قدیس مدعی بود که شهریاری مسیح بر زمین از قبل در کلیسای کاتولیک تحقق یافته و کتاب وحی می باید به عنوان تمثیل روحانی قرائت شود. از این رو وی قصد داشت تا با بهره گیری از این اسطوره معادی به توجیه حکومت کلیسا بپردازد. به طور کلی می توان گفت اسطوره‌ی شهریاری مسیح، از جمله اسطوره های «هزاره گرا» به شمار می آید.

«اساطیر ملی انقلابی»: نورمن کوهن، اساطیر عصر شهریاری مسیح در قرون وسطی را «اساطیر انقلابی» توصیف می کند. اما نمی توان آن را انقلابی شمرد مگر اینکه پذیرفت مردم در قرون وسطی هر بار سر به شورش بر می داشتند برای برپایی زمینه ای جهت ظهور مسیح روی زمین بوده است. اما به طور ویژه می توان اساطیر ملی انقلابی را در انقلاب فرانسه و در تاریخ شکل گیری ملیت در آن رد یابی کرد. در تاریخ قدیم مردم فرانسه مبارزه قوم فرانک و قوم گال ها پادشاهی متحدی برپا ساختند که نخستین پادشاه برگزیده ای که دستاورد آرای مشترک دو گروه بود، چیلدریک نام داشت. «(۹) آشکارترین دستاورد این اسطوره در فرانسه این است که قدرت مطلقه در دست مردم است که از طریق دولت برگزیده‌ی عموم، اعمال می‌گردد. پس هر گاه پادشاه حق مردم را غصب کند، دولت وی، غیر قانونی است. هاتمن بیان می‌کند که مردم فرانسه، فرانکوگال ها هستند که دشمن دیرینه‌ی آنها رومیانند و هر چند آنها سالهاست که از فرانسه بیرون رفته اند، اما حضورشان احساس می‌شود. اگر امروز ملت فرانسه از آشفتگی اوضاع عمومی و یا وجود دولتی ستمکار در رنج است، برای یافتن علت آن کافی است به سرچشمه‌ی نابسامانیهای ملت نگاهی افکنده شود. آیا دستهای دشمن دیرین در پذیرش روز افزون قوانین رومی ها و در دسیسه های ملکه کاترین دمدیسی و بیش از همه در راه و رسم و اصول حاکم بر کلیسای کاتولیک آشکار نیست. به این سان فرانسوی ها برای بیرون آمدن از سیطره کلیسای کاتولیک به این اسطوره چنگ زدند. همین وضعیت برای انقلاب شکوهمند به رهبری کرامول در انگلستان نیز وجود داشت.

«اسطوره‌ی نژاد آریان»: دیگر اسطوره‌ی سیاسی، اسطوره‌های نژادی یا برتری نژادی است که ناسیونال سوسیالیستهای آلمانی به رهبری هیتلر به آن متوسل شدند. این اسطوره که ساخته و پرداخته افرادی چون ماکس مولر و آدولف هیکت بود، آریاها را به عنوان نژادی که بنابر مشیت الهی روزی بر تمامی کره‌ی زمین استیلا خواهند یافت، معرفی کرد. نظریه‌ی تکاملی داروین نیز به کمک اسطوره سازان سیاسی سده‌ی نوزدهم آمد؛ نظریه‌ی داروین، با اشعار بر اینکه طبیعت با حراست از توانا و نابودی ناتوان، به هدف خویش دست می‌یابد، به یاری برتری نژادی آمد. عنصر مهم دیگری که در نهایت به تشکل اسطوره‌ی نژاد آریایی

باری بخشید، اندیشه‌ی ضد سامی یا ضد یهودی بود. اگر چه نقش قوم یهود به عنوان دشمن آریایی‌ها تا سالهای آخر سده‌ی نوزدهم میلادی تکوین نیافته بود، اما سابقه‌ی آن به قرون وسطی باز می‌گشت. به این ترتیب از دیدگاه نازی‌ها که اندیشه‌های سده‌ی نوزدهم را دنبال می‌کردند، سراسر تاریخ حیات انسانی به عنوان کشمکش میان آرمان‌گرایی آریایی‌ها و مادی‌گرایی یهودیان تلقی شد. هیتلر، گناه بدوی انسان را که منجر به اخراج وی از بهشت شد با اختلاط نژادی همانند سازی کرد و به این ترتیب بخشوده شدن آدمی را برای رسیدن به رستگاری جلوگیری از اختلاط نژاد آریایی با نژادهای پست تر دانست.

به این ترتیب می‌توان مشاهده کرد که سه گونه اسطوره سیاسی هزاره‌ی شهریار ی مسیح، اسطوره انقلاب ملی و اسطوره‌ی نژاد آریان هر یک به وجهی به ایجاد جهانی با انسجام اخلاقی می‌اندیشند، هزاره‌ی شهریار ی با به قدرت رسیدن نیکوکاران و صلحا در زیر پادشاهی مسیح، انقلاب ملی با برپایی حکومت ملی که پاک از قوانین رومی باشد و اسطوره‌ی نژاد آریان یا پاک کردن نژاد آریایی از هر نوع ناپاکی در اثر اختلاط نژادی.

«اسطوره‌ی انقلاب کارگری»: در کنار این اساطیر، اسطوره‌ی معادی دیگر مربوط به سروری کارگران یا پرولتاریا است که توسط مارکس پایه ریزی شده است. «جان کلام اینکه مقصود از انقلاب، مشکل‌نمایی از یک بینش اخروی از وقایع جاری و یا رویدادهای آینده است که وضع کنونی گیتی به کلی از آن رخت برپسته است. برای شخصی که دارای چنین پنداری است، آینده مجهول بهتر از وضع موجود است که بد تلقی می‌شود و در تلاشهای عملی او، اندیشه به آینده، هر چند معمولاً محدود اما همواره وجود دارد و در عمل پدیدآیی انقلاب به آینده ای مجهول موکول می‌شود.» (۱۰) مارکس در نخستین آثار خود برای ایجاد این اسطوره به دو مسئله اشتغال ذهنی دارد، یکی پیشبرد جهان اخلاقی منسجم که همانا اخلاق طرفداری از ستمدیدگان پرولتاریاست و دیگری بینشی ناقص از یک جامعه‌ی کمونیستی در آینده که در آثار بعدی وی تکوین می‌یابد. لنین در پیروی از او به این اسطوره چنگ می‌زند اما وی برای آماده کردن ذهن مردم روسیه برای انقلاب کارگری این اسطوره‌ی سیاسی را تغییر می‌دهد تا با شرایط زمانی هماهنگ شود چنانچه در روم این اتفاق بارها روی داد.

در فصل پنجم که «ایدئولوژی و اساطیر سیاسی» نام دارد، هنری تودر به نتیجه‌گیری می‌پردازد. او بیان می‌دارد که اسطوره ساز گاهی برای ایجاد یک ایدئولوژی از اساطیر سیاسی بهره می‌برد و گاه برای توجیه ایدئولوژی خود به وهم و فریبکاری در اسطوره سازی سیاسی دست می‌زند. به طور کلی وی در این فصل به بازخوانی آنچه در کل کتاب آمده می‌پردازد و از اسطوره سیاسی چنین تعریفی ارائه

می‌دهد: «اسطوره‌ی سیاسی، داستان جامعه‌ی سیاسی را بیان می‌کند و در بسیاری از موارد، بیان داستان موجودیت و یا کیفیت تأسیس این جامعه‌ی سیاسی در گذشته بوده است که اکنون مرمت، اصلاح، تکمیل و نگه‌داری از آن ضرورت یافته است. اسطوره در موارد دیگر به آنگونه از جامعه‌ی سیاسی مربوط است که مقرر گردیده در آینده به وجود آید و منظور از بیان آن نیز، ترغیب افراد در تسریع شروع آن است... کوتاه سخن اینکه اسطوره‌ی سیاسی بیان داستان گروهی از مردم می‌تواند باشد که در فعالیتهای سیاسی نقشی نداشته و در خلق و ایجاد جامعه‌ی سیاسی هیچگونه دخالت نداشته‌اند. افزون بر آن، اسطوره‌ی سیاسی همواره اسطوره‌ی گروهی خاص از مردم است، قهرمان و یا شخصیت اصلی آن، فرد نیست، بلکه قبیله، ملت، نژاد، طبقه و یا حتی تعدادی از تبعیدیان یا مهاجران است که از رهگذر اتفاق با یکدیگر گرد آمده‌اند. البته در اسطوره‌های سیاسی، شخص از آن رو مهم است که نماینده‌ی گروه خویش و یا حامل سرنوشت آنهاست و در آخرین تجزیه و تحلیل سیاسی، گروهی که به عمل و اقدام دست می‌یازند، قهرمان عمده‌ی اسطوره‌ی سیاسی محسوب می‌شود.» (۱۱)

در مقام نقد می‌توان گفت در مجموع «اسطوره‌ی سیاسی هنری تودر برای دانشجویان جهت اطلاع یافتن از بخشی از مفاهیم سیاسی که در مطالعات دانشگاهی از آن غفلت ورزیده شده است بسیار مفید فایده است اما برای مطالعات تخصصی در این مورد زیاد مفید نیست، زیرا به صورت کلی و فشرده است و تنها به اساطیر اروپایی می‌نگرد نه اساطیر اقوام دیگر جهان. با این همه بخش بندی او از اساطیر سیاسی به دو گونه‌ی اساطیر مبدأ و یا آفرینشی یا اساطیرالاولین؛ و اساطیر معادی یا اخروی بسیار جالب توجه به نظر می‌رسد. افزون بر آن معرفی اسطوره‌های گوناگون چون هزاره‌گرایی، نژادی، ملی و طبقه‌ای بسیار جالب است.

همچنین وی به معرفی اجمالی نظریات اسطوره‌شناسی پرداخته و با کارگیری روش‌شناسی، «در زمانی» که از روش‌شناسی داروین نشأت گرفته و در داروینسم اجتماعی کاربرد دارد که یک اسطوره را از زمان پیدایش تا تکامل دنبال می‌کند، برخلاف اسطوره‌شناسی‌های زمان حاضر که از روش «همزمانی» بهره می‌برند و به تکامل اساطیر توجه چندانی ندارند برای دانشجویان و نه متخصصان اسطوره‌شناسی به ویژه اسطوره‌شناسی مفید است. آخرین نکته اینکه این اثر در سال ۱۹۶۲ نگارش یافته و ترجمه آن به فارسی اندکی بیش از چهل سال بعد انجام یافته است. امید بر آن است که آثاری چنین به خوانندگان فارسی‌زبان و به ویژه دانشجویان علوم سیاسی زودتر معرفی شوند و چون این کتاب ترجمه‌ای نیکو داشته باشند.

یادداشتها

۱- هنری تودر، *اسطوره سیاسی*، ترجمه سید محمد دامادی (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۳)، ص

۱۸.

۲- همان، صص ۳۶ و ۳۳.

۳- همان، ص ۳۹.

۴- همان، ص ۵۵.

۵- همان، صص ۶۰ - ۵۹.

۶- همان، ص ۸۲.

۷- همان، صص ۹۸ و ۹۳.

۸- همان، ص ۱۵۱.

۹- همان، صص ۱۶۸-۱۶۷.

۱۰- همان، صص ۱۹۲-۱۹۱.

۱۱- همان، ص ۲۳۰.